



صحت: من بسیار آدم تنبلی هستم. اینقدر در روز وقت تلف شده زیاد دارم اما خواندن نه به عنوان کار و شغل و حرفه، بلکه بخشی از زندگی من همیشه بوده و فرقی ندارد که کتاب باز باشد یا نه. در واقع تا وقتی که زنده‌ام و چشم و مغزم اجازه می‌دهد به کتاب خواندن ادامه می‌دهم.



مطرح می‌شد. برای مثال به شکل متعدد در برنامه ما راجع به صادق هدایت حرف زده شده.

رضاییان: در این سه سال سروش صحت، فیلم سینمایی ساخته، بازی هم کرده، همه اینها وقت‌های زیاد از آدم می‌گیرد یک چالش این است که آدم وقت کند برود سر پروژه‌ای که هویت جدی دارد و چالش دیگر این است که در برنامه کتابی باید به روز باشد، فقط اجرا نیست، با آدم‌های مختلف باید در ارتباط باشد این را چطور مدیریت کردید؟

صحت: اولاً من بسیار آدم تنبلی هستم. اینقدر در روز وقت تلف شده زیاد دارم که اگر از آنها استفاده می‌کردم عجیب بود، خیلی وقت پرت زیاد است اما خواندن نه به عنوان کار و شغل و حرفه همیشه بخشی از زندگی من بوده و فرقی ندارد که در کتاب باز حضور داشته باشم یا نه. خلاصه که در هر حالت می‌خوانم و خواهم خواند، تا وقتی که زنده‌ام و چشم و مغزم اجازه می‌دهد. نمی‌توان اهمیت دادن من به کتاب را منحصر به برنامه دانست، مثل این است که بگویم یک نفر برنامه آشپزی دارد و پرخور شده است! غذا خوردن همیشه بخشی از زندگی اوست، همان‌طور که کتاب خواندن همیشه بخشی از زندگی من.

رضاییان: هفته‌ای چقدر؟

صحت: نمی‌توانم زمان دقیقه را اعلام کنم، اما می‌توانم بگویم همان‌طور که موبایل را چک می‌کنم، کلیدم را چک می‌کنم، بودن کتاب را هم همراهم چک می‌کنم، در ماشین یا هر جای دیگری کتاب با من است، همان‌طور که فندک با یک آدم سیگاری است. اینها را برای پزدادن و ژست گرفتن نمی‌گویم چون کتاب جزئی از زندگی من است.

رضاییان: من خیلی کمتر از سروش کتاب می‌خوانم ولی آخرین کتابی که خواندم همه دروغ می‌گویند بود که سروش به من هدیه داد.

کسانی است که با کتاب باز کار می‌کنند.

رضاییان: در همین بحث مهمان کجاها به چالش خوردید؟ ممنوعیت‌ها ذیبتان نکرد؟

رضاییان: همیشه افرادی هستند که در آنتن تلویزیون ممنوع‌التصویر می‌شوند و در تلویزیون‌های همه دنیا طبیعی است و در همه رسانه‌های دنیا خطوطی تعریف شده دارند. واقعیت این است که من حق می‌دهم هرکسی حقوق خودش را داشته باشد اما به من و امثال من به عنوان اعضای این خانواده اعتماد کنند و دستمان را باز بگذارند. واقعیت این بوده که من در هر برنامه خواستم مخاطبان و اعتمادشان را جلب کنم. به عنوان برنامه‌ساز تمام تلاشم را می‌کنم تا برنامه‌ام قوی‌تر شود و به قول معروف پایه‌های حکومت را محکم‌تر کنم. ممکن است در برخی موارد سلیقه من و مدیران با هم فرق داشته باشد و مشاجره‌ای هم در بگیرد اما می‌دانم حتی این مشاجره‌ها از سربلندی‌های من گرفته و باید هر دو با هم کنار بیاییم. درک می‌کنم که آنها هم باید پاسخگو باشند.

رضاییان: در بحث معرفی کتاب چالشی نداشتید؟

رضاییان: به نظر معرفی کتاب در برنامه کتاب باز از حرکت‌های پیشرو تلویزیون بود. ما می‌دانیم تلویزیون هزینه‌های تبلیغ مختلفی دارد و بسیار گران است اما آقای دکتر علی‌عسکری و آقای مهدوی مهر خیلی کمک کردند که تسهیل شود چون واقعا ناشران ما از نظر اقتصادی قوی نیستند.

رضاییان: من شنیده‌ام گهگاهی در معرفی کتاب‌های بعضی نویسندگان چالش داشتید. درست است؟

رضاییان: البته البته همه این کتاب‌ها قانونی و مجوزدار بودند اما کاش این چند دستگی حل می‌شد. یعنی جای واحدی سیاست فرهنگی کل نظام را تعریف می‌کرد و با یک مشی همه می‌رفتند. البته در برنامه ما با دید کارشناسی اسامی کتاب‌ها و نویسنده‌های زیادی

شکوری هم به این دلیل است که قصه‌گوی خیلی خوبی است. آقای فراستی اگر می‌نشیند در کتاب باز و اتفاقاً چهره دیگری از آقای فراستی می‌بینیم که در رسانه تعریف نشده بود چون اینجا مقابل آقای قصه‌گو می‌نشیند و بقیه آدم‌ها همین‌طور.

رضاییان: برنامه شما مجری مولف دارد، مهمان‌ها و کارشناسانی هم مثل آقای رضایی و مجتبی شکوری و... خودشان می‌دانند چه می‌خواهند بگویند. پس این وسط نقش سردبیر برنامه چیست؟

صحت: نقش سردبیر برنامه که افشین صادقی‌زاده باشد خیلی خیلی خیلی مهم و پررنگ است. در بخش کارشناسان سردبیر کاری نمی‌کند چون موضوع صحبت را خودشان انتخاب می‌کنند اما در مهمان‌ها تعیین‌کننده است. در روالی که رسیدیم اول که مهمان می‌آید بعد از سلام و علیک، آقای رضاییان و افشین صادقی‌زاده از اتاق بیرون می‌آیند و با مهمان گپ نیم‌ساعته و گاهی دو ساعته می‌زنند من هم نمی‌روم در اتاق که صحبت‌ها اگر دوباره مطرح شد عکس‌العمل و حس‌هایم دروغ باشد. افشین از صحبت مهمان به من نمی‌گوید اما کلیت فضا را می‌گوید، یکسری سوال هم می‌دهد و لطفی که می‌کند این است که می‌گوید نمی‌خواهد لزوماً به سوالات پایدار بمانی اما سوال یک مهم‌ترین سوالات است، پس من با سوال یک پیش می‌روم و می‌بینم سوال به درستی انتخاب شده و می‌توان مسیر گفت‌وگو را خوب پیش برد. افشین رضاییان همیشه در کار با من این دادوستد را دارد و از همین طریق هم مسیر برنامه را تعریف می‌کند، این خیلی کمک‌کننده و مهم است.

رضاییان: انتخاب مهمان را چه کسی انجام می‌دهد؟

صحت: انتخاب مهمان را افشین، آقای مروندی و خود من انجام می‌دهیم. اتاق فکری داریم که پیشنهادهایمان را با همدیگر مطرح می‌کنیم. برخی افراد مورد تایید قرار نمی‌گیرند و برخی هم تایید می‌شوند. البته برخی چهره‌ها را هم خود شبکه به ما پیشنهاد می‌دهد.

رضاییان: واقعا افشین صادقی‌زاده نمی‌دانم چند درصد ولی سهم بسزایی در این شکلی شدن کتاب باز داشته، همیشه در سیاستگذاری‌های کتاب باز نظرات افشین پیش رو بوده و مسیرهای تازه‌ای را برایمان باز کرده است. او روزنامه‌نگار حرفه‌ای است که در مجلات هم کار کرده است. در واقع کار کردن در تلویزیون نیازمند تخصص‌های مختلفی است و ما در کارنامه افشین می‌بینیم در کارهای مستند و برنامه‌سازی چهره موفقی بوده، خلاصه که باید بگویم ژورنالیست بودن از ارکان اصلی و مهم

مخاطبان محتوای عمیق‌تر طلب می‌کردند به همین دلیل بخش کارشناسی اضافه کردیم که در حوزه‌های مختلف سلاقی بیشتری بتواند پوشش بدهد و به نیازها پاسخ عمیق‌تری بدهد؛ مثلاً با دکتر کاکاوند برنامه‌های جذابی داشتیم و در مخاطب‌سنجی‌مان متوجه شدیم مردم ادبیات کهن را دوست دارند و در هفته یک ربع تا بیست دقیقه برنامه‌های مرتبط با آن را تماشا خواهند کرد. همچنین متوجه شدیم دکتر شکوری در حوزه روان‌شناسی مخاطب ثابت دارد و می‌توان در هفته ۲۰ دقیقه به ایشان زمان داد. به این شکل توانستیم مخاطبانی را که به کارشناسان علاقه خاصی داشتند مدیریت کنیم. مخاطبان نه چندان حرفه‌ای را به این شکل نگه می‌داشتیم و بخش معرفی کتاب دکتر رضایی و در کنارش بخش خاص دکتر فراستی به مسائل جهان می‌پرداخت و افراد علاقه‌مند به فرم را به خود جذب می‌کرد.

رضاییان: برویم سراغ آدم‌هایی مثل مجتبی شکوری که چهره نبودند اما با کتاب باز چهره شدند و کتاب باز کشفشان کرد و آدم‌های جذاب و عمیقی که چهره نبودند اما خوبند و عمیق هستند. چطور آدمی مثل مجتبی شکوری را پیدا کردید؟

رضاییان: آقای شکوری در باغ کتاب مدیر آموزشی بود و توسط دوستی به من معرفی شد. یک بار اتفاقی ایشان را دیدم و قرار بود یک ربع حرف بزنیم اما یک ساعت و نیم گپ زدیم و قصه زندگی‌اش را تعریف کرد. آنجا شماره رد و بدل کردیم و رفاقت لحظه‌ای و نسبی پیش آمد. شب همه خانواده جمع بودیم و قصه‌هایش را به خواهر برادرها گفتم. دیدم همه گریه می‌کنند گفتم پس این آدم قصه جذابی دارد. در فصل ۲ آقای شکوری را دعوت کردیم، تا آن موقع بازخورد عمیق و عجیب از مخاطب نگرفته بودیم. ناگهان دیدیم ویدئوهای این برنامه دست به دست می‌شود. آن موقع ما تصمیم گرفتیم فصل سوم کارشناس ثابت را پررنگ‌تر داشته باشیم.

رضاییان: اجرای شما در کنار افرادی خودشان مؤلف هستند و شهرتی دارند تحت تأثیر قرار نمی‌گرفت؟

صحت: نه خیلی برایم لذتبخش‌تر و دوست‌داشتنی‌تر و پرشور و حال‌تر بود.

رضاییان: کتاب باز قصه‌گو است. قصه‌گو و شنونده اصلی سروش صحت است. سروش می‌گوید مجری خوبی نیستم اما حتما قصه‌گوی خوبی است و از آدم‌ها قصه را بیرون می‌کشد. در بخش‌های کارشناسی هم نگاه کنی رفتارهای خیلی شیرین است و گفت‌وگوی سروش صحت را می‌توان تدریس کرد. چون قصه‌گویی‌اش پررنگ است. ستاره شدن آقای

